

سید علی حسینی

انتخاب صحابان

| جلد ۵ |

| مجری و ناظر |

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی
حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدتله‌ای)
درباره‌ی وظایف وزارت کشور و شورای نگهبان



دفتر مطبوعاتی و انتشارات آیت الله العظمی خامنه‌ای



وَمَنْ يَرْغَبْ وَغَرَّاهُ غُرَّتْ آيَاتُ اللَّهِ الْعَظِيمِ لِمَنْ يَرْتَدَّ

انتخاب صحاح

جلد ۵ |

مجری و ناظر |

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدتله‌الی)

درباره‌ی وظایف وزارت کشور و شورای نگهبان

ناشر: انتشارات انقلاب اسلامی

(وابسته به مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی)

نسخه الکترونیکی

هرگونه بهره‌برداری بصورت چاپ و تکثیر ممنوع می‌باشد.

تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان دانشگاه جنوبی، کوچه‌ی عطارد،

شماره‌ی ۷ - تلفن: ۶۶۹۷۷۲۶۸ - ۶۶۴۰۵۱۰۰

مرکز پخش: ۰۹۱۹۵۵۹۳۷۳۲ - ۰۶۶۴۸۳۶۹۵ - سامانه پیامکی: ۱۰۰۰ ۲۰۱۲۰

پست الکترونیکی: <http://Book-Khamenei.ir> . Info@Book-khamenei.ir

مقدمه

انسان و نظر او در جهان بینی اسلامی از جایگاه والایی برخوردار است و از اینجاست که رأی مردم در مباحث سیاسی اسلام، نقش اساسی و تعیین کننده دارد. می توان با نگاه به سیره ی سیاسی پیامبر اکرم و امام معصوم (علیهم السلام)، شواهد فراوانی برای این امر پیدا نمود. اگرچه مشروعیت حکومت اسلامی از ولایت الهی نشأت می گیرد اما مقبولیت آن همواره نیازمند حضور مؤثر آحاد مردم است. از سویی دیگر اصل حضور مردم است که به تشکیل حکومت می انجامد و مردمنده که در مواقع لزوم، پاسداری نظام را برعهده خواهند گرفت.

نگاه به مردم و اهتمام به آرای آنان، از شاخصهای مکتب سیاسی حضرت امام خمینی (ره) است و از این روست که پس از سقوط رژیم منحوس شاهنشاهی، اولین اقدام امام بزرگوار ما مراجعه به آرای عمومی بوده است.

رژیم پهلوی و سلسله های پیش از آن، کوچک ترین

سهمی را برای نظرات آحاد جامعه قائل نبودند و انتخابات آن دوران بیشتر پوششی بود بر تن استبداد شاهان. بسیاری از مردم از آمد و شد نمایندگان اطلاعی نداشتند و در طول عمر خود یک بار هم صندوق رأی را ندیده بودند.

با پیروزی انقلاب اسلامی نگاه ملت ایران به سیاست تغییر کرد و حضور در صحنه‌های سیاسی به عنوان یک وظیفه‌ی شرعی قلمداد گردید. اعتماد مردم به نظام اسلامی باعث شد که نصابهای بسیار چشمگیر و کم سابقه در پای صندوقهای رأی شکل گیرد. اکنون نظام مقدّس ما از مردمی‌ترین حکومتهاست. در این نظام حتّی رهبر جامعه با واسطه انتخاب میگردد و از رأی مردم به عنوان حقّ الناس صیانت میگردد.

شایان ذکر است که بین انتخابات در جمهوری اسلامی و انتخابات در دیگر حکومتها تفاوت جدّی وجود دارد. انتخابات در بسیاری از نقاط جهان، جنگ بر سر قدرت است در حالی که انتخابات در نظام اسلامی، رقابتی برای دست‌یابی بهترین فرد برای مسئولیتهاست.

بر این اساس است که باید انتخابات تراز جمهوری اسلامی برخوردار از ویژگیهای خاص خود باشد. در این عرصه هر یک از افراد مؤثر در امر انتخابات وظایفی را برعهده خواهند داشت. در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) به روشنی وظایف هر یک

از افراد، اقشار و نهادهای مرتبط با انتخابات مشخص شده است.

انتشارات انقلاب اسلامی در آستانه‌ی انتخابات دوره‌ی پنجم خبرگان رهبری و دوره‌ی دهم مجلس شورای اسلامی، مجموعه کتابهایی را در موضوع انتخابات و با بهره‌گیری از بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) تدوین نماید. این مجموعه شامل نه جلد است که هر کدام از آن، سهمی را در تبیین نظریه‌ی انتخاباتی معظم‌له خواهد داشت. سرفصلهای کتابهای مجموعه به شرح زیر است:

۱. واجب سیاسی (بیان اهمیت انتخابات، انتخابات مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی)
۲. راه و اصول امام (بازخوانی خط امام برای سنجش عیار احزاب و جریانهای فعال در انتخابات)
۳. خوابهای بی‌تعبیر (شرح توطئه‌ها و برنامه‌های دشمنان برای انتخابات)
۴. اصولگرای اصلاح طلب انقلابی (به منظور بازخوانی شاخصهای جریانهای وفادار به نظام)
۵. مجری و ناظر (شرح وظایف وزارت کشور و شورای نگهبان)
۶. همه باهم (شرح وظایف عموم مردم در انتخابات)
۷. تکلیف نخبگان (شرح وظایف نخبگان و خواص در امر انتخابات)

۸ انتخاب صالحان (مجری و ناظر)

۸. ویژگیهای نماینده‌ی صالح

۹. الزامات داوطلبی (شرح وظایف نامزدها و بایدها
و نبایدهای رفتاری آنان در ایام انتخابات)

ومن الله التوفیق

فهرست مطالب

۱۱.....	اهمیت عمل به قانون توسط مجریان و ناظران انتخابات
۱۳.....	ضرورت حفظ سلامت انتخابات توسط مسئولان انتخابات
۱۴.....	لزوم هماهنگی و همکاری دستگاههای مسئول در انتخابات
۱۶.....	انتخابات صحیح؛ انتخابات خبردهنده از آرای قلبی و تشخیص مردم
۱۷.....	اهمیت نظارت بر انتخابات
۱۸.....	ضرورت جلوگیری از ورود افراد ناصالح در میان کاندیداها
۱۹.....	لزوم دقت در رد صلاحیتهای
۲۱.....	اهمیت رعایتیهای اخلاقی در تأیید یا رد صلاحیتهای
۲۲.....	مقصود از «ضد ولایت فقیه»، از علل رد صلاحیت کاندیداها
۲۵.....	لزوم دقت در گزینش ناظرین انتخابات
۲۶.....	اهمیت حفظ اعتماد عمومی توسط شورای نگهبان
۲۷.....	اختلال در انتخابات؛ یک گناه و جرم وظیفه‌ی ناظران در عمل به موازین و نه مذاقها و سلاقی شخصی
۲۷.....	ضرورت قاطعیت در عمل به قانون انتخابات
۲۸.....	نقش اساسی شورای نگهبان در جلوگیری از انحراف نظام از دین
۲۹.....	وظیفه‌ی همگانی حفظ حرمت شورای نگهبان
۳۰.....	وظیفه‌ی شورای نگهبان؛ حفظ احترام و آبروی اشخاص در بررسی صلاحیتهای
۳۲.....	اهمیت جلوگیری از ورود افراد بی‌اعتقاد به انقلاب به مجلس

۱۰ انتخاب صالحان (مجری و ناظر)

- ۳۳..... ضرورت رعایت اصول مهم در بررسی صلاحیتها
لزوم حفظ پاکیزگی و طهارت مطلوب اسلام در رقابتهای
انتخاباتی..... ۳۴
ضرورت نگاه وسیع شورای نگهبان در احراز صلاحیت کاندیداها ۳۷
لزوم حفظ شأن داورى توسط دستگاههای مسئول در انتخابات.. ۳۷
لزوم رعایت قانون در رد صلاحیتها..... ۳۸
صحیح بودن استفاده از استصحاب برای اثبات صلاحیتها..... ۴۰
قانونی بودن نظارت استصوابی..... ۴۲
وجود نظارت استصوابی در همه ی کشورها..... ۴۳

اهمیت عمل به قانون توسط مجریان و ناظران انتخابات

الآن به شما برادران مسئول، اعم از نظار و هیئت اجرایی عرض میکنم که مواظب باشید، کارتان سرسوزنی از معیار قانونی تخطی نکند. نظرات و سلیق شخصی را کنار بگذارید. اینکه کسی به خاطر تشخیصی که از دین و انقلاب و اسلام و رهبری و ملت و دولت دارد، یک نفر را تقویت کند، یک نفر را رد کند، یک نفر را تضعیف کند، یکی را یک خرده جلو بکشد، یکی را یک خرده عقب بزند، خلاف ضابطه است. غیر از قانونی که تصویب شده و به دست شما داده اند تا طبق آن عمل کنید، هر چیزی را که شما معیار دانستید، بدانید معیار و ضابطه نیست. ضابطه، همین است که در دست شماست. طبق همین ضابطه، دقیق، بدون رعایت حب و بغض، بدون رعایت خط و خطوط و بدون رعایت جهات سیاسی، عمل کنید.

من بارها عرض کرده ام که دین و اسلام و انقلاب، همان چیزی است که امروز در قالب قوانین مجلس

شورای اسلامی تصویب شده است و از تأیید بزرگان و فقهای محترم شورای نگهبان، یا بعضی از مراکز مثل مجمع تشخیص مصلحت و غیره گذشته باشد. انقلاب، یعنی قوانینی که از اینجاها خارج شده باشد. اگر انقلاب در خلال ماده و قانون و آیین نامه و مقررات مجسم و متجسد نباشد، یک چیز خیالی و بی ضابطه خواهد شد که هرکسی هرطور دلش خواست، آن را تفسیر خواهد کرد. این طور نیست. دین و شرع و اسلام، همان چیزی است که مبادی اسلامی آن را قانون کرده اند و به شما داده اند.

... آن چیزی که در اختیار عموم و حتی خواص مردم است و در مسائل عمومی و مشترک و جامع، ملاک عمل می باشد، همان چیزی است که تصویب شده است. شما بر طبق این باید عمل کنید. بگذارید دشمنان و بدخواهان نتوانند درباره ی انتخاباتی به این اهمیت و عظمت، کمترین حرفی بگویند.

حدیث است که «رحم الله امرأ عمل عملاً فأحکمه»^۱: خدا آن انسانی را رحمت کند که کاری محکم و سنجیده و کامل و درست انجام بدهد. درستی کار برای یک خیاط و یک کفاش و یک آهنگر و یک صنعتگر، طوری است؛ برای یک عمل کننده به قانون و ضابطه ی اداری، طور دیگری است. به هر حال، هر دو محکم کاری است.^۲

۱. علل الشرائع، ج ۱، ص ۳۱۰ (با اندکی تفاوت)

۲. در دیدار با مسئولان دفاتر نهضت سوادآموزی، رئیس و جمعی

ضرورت حفظ سلامت انتخابات توسط مسئولان انتخابات
آنچه در انتخابات، از نظر شما برادران عزیز و زحمتکش مهم است، در درجه اول، سلامت انتخابات است. انتخابات باید به معنای واقعی کلمه، نمایشگر رأی مردم باشد. این به معنای آن نیست که ما فقط از تقلب کردن کسانی که ممکن است بخواهند چنین کاری بکنند، جلوگیری بکنیم؛ آنکه به جای خود محفوظ و معلوم است و شأن مأموران جمهوری اسلامی، اجل از این حرفهاست؛ بلکه بالاتر از این، فضای انتخابات باید فضای سالمی باشد، فضای تبلیغات باید با فضای پروپاگاندهای معمول دنیا تفاوت داشته باشد.

امروز در دنیا، دموکراسی، یک دموکراسی حقیقی نیست؛ زیرا فشار تبلیغات پُر زرق و برق توخالی، با سخنان فریب آمیز، آن چنان بر ذهن مردم سنگینی میکند که امکان انتخاب درست را به مردم نمیدهد؛ نمیگذارند مردم فکر کنند. هرکس که مقداری از کارهای انتخاباتی کشورهای به اصطلاح دموکراتیک را مشاهده کرده باشد، این معنا برایش واضح است. حرفهایی که میزنند، وعدههایی که میدهند، قیافههایی که میگیرند، تملقهایی که از بعضی از قشرها یا گروهها میگویند، ارتباطهایی که با جناحهای

از مسئولان ادارات شهربانی، جمعی از ناظران و اعضای هیئت نظارت شورای نگهبان و هیئت اجرایی در انتخابات مجلس خبرگان و مسئولان وزارت کشور، به همراه گروهی از مردم استان لرستان و شهرهای آبادان، لاهیجان و شوشتر ۱۳۶۹/۰۷/۰۴

خاصی برقرار میکنند تا نظر آنها را جلب بکنند، اینها کارهای سالمی نیست؛ کارهایی است که وقتی در یک مجموعه‌ی مردمی انجام گرفت، فضا را مسموم میکند و قدرت فکر کردن به آنها نمیدهد.

تبلیغ، صحیح و حق است؛ اما با معنای واقعی کلمه، با حفظ حدود شرعی کلمه، به دور از فریب، به دور از کارهای دروغین و نمایشی، به دور از متهم کردن این و آن. نمیشود ما بگوییم که مسئولان انتخابات، نسبت به این قضیه هیچ مسئولیتی ندارند؛ این شرط سلامت انتخابات است.^۱

لزوم هماهنگی و همکاری دستگاههای مسئول در انتخابات
نکته‌ی بعدی، همکاری دستگاههایی است که باهم این بار سنگین را بردوش دارند؛ چه وزارت کشور، چه شورای محترم نگهبان، چه نیروی انتظامی. آن کسانی که میخواهند این بساط مقدس را پاسداری کنند، باید باهم هماهنگ باشند؛ همکاری کنند و در خودشان تفاهم به وجود بیاورند. من امیدوارم در این نوبت انتخابات، *إن شاء الله* این تفاهم به حدّ اعلیٰ برسد؛ پیش‌بینی من هم همین است.

بحمدالله وزیر محترم کشور، روحانی، فاضل، عالم، عاقل و متصف به صفات پسندیده‌اند. اعضای محترم شورای نگهبان هم، که مجتهدان عدول و منصوبان امامند، همین‌طورند. تصوّر من این است که

۱. در دیدار با وزیر و مسئولان وزارت کشور و استانداران ۲۷/۰۹/۱۳۷۰

آنچه پیش خواهد آمد، إن شاء الله چیز خوبی خواهد شد و همکاری صمیمانه‌ای خواهد بود؛ اما باید برای این تلاش کنید.

آنچه مهم است این است که ما به آن مأموران زبردستان نگاه کنیم. شما در مدیریتی که اعمال خواهید کرد همه‌ی طرفهای قضیه را عرض میکنم باید بدقت مراقب کارهای کسانی باشید که زیر نظر و زبردست شما کار میکنند؛ این اساس صحت کار است. شما خوبید، اما این کافی نیست؛ باید مأموران شما هم از خوبیهای شما، از صفای شما، از صمیمیت شما بهره‌مند باشند. دقت کنید، و حقیقتاً در این کاری که به مردم ارتباط پیدا میکند، هیچ اغماضی نکنید و از هیچ تخلفی نگذرید.

البته ممکن است کاندیداهای انتخابات، وابسته به جناحهای مختلف سیاسی باشند، یا خواهند بود. ایرادی هم ندارد، ممکن است باهم تنافسهایی^۱ داشته باشند؛ اما هیچ مسئولی از مسئولان، به هیچ وجه نباید اجازه بدهد که برداشتهای خطی، برداشتهای جناحی و گرایشهای گروهی، اندکی در این کار تأثیر بگذارد. این کار باید إن شاء الله سالم و خالص و بدون اندکی خدشه انجام بگیرد؛ این است که مردم را دلگرم خواهد کرد.^۲

۱. رقابتها

۲. در دیدار با وزیر و مسئولان وزارت کشور و استانداران ۱۳۷۰/۰۹/۲۷

انتخابات صحیح؛ انتخابات خبردهنده از آرای قلبی و

تشخیص مردم

همه‌ی دستگاهها موظفند به سهم خود برای صحیح انجام شدن انتخابات تلاش کنند. انتخابات صحیح هم معلوم است چگونه انتخاباتی است. یک وقت عرض کردیم که انتخابات غلط و بد، فقط آن انتخاباتی نیست که آرای عوضی و تقلبی در صندوقها بریزند؛ پیدا است که در نظام جمهوری اسلامی، با نظارتهایی که هست، چنین چیزی علی‌القاعده امکان پذیر نیست، یا به آسانی امکان پذیر نیست. صحت انتخابات این است که انتخابات حقیقتاً مُعرب^۱ و خبردهنده از آرای قلبی و تشخیص مردم باشد و حقیقتاً کوشش بشود که آگاهی به حدی برسد که این تشخیص، تشخیص صحیحی باشد.

ممکن است در دوران انتخابات، گوشه و کنار برای منحرف کردن افکار و آرا، و برای بد جلوه دادن حقایق، و برای کشاندن انتخابات در مجراهای رایج بین غربیها که با پول و با تبلیغات پولی و با خریدن افراد ضعاف التّفوس و امثال اینها، رأیی را برای کسی، برای جناحی، برای گروه و حزبی درست میکنند که این در خیلی از کشورهای دنیا معمول است کارهای تبلیغاتی و بعضی وسوسه‌ها انجام بگیرد. اینها نباید باشد؛ یعنی مردم واقعاً آگاهانه فکر کنند، انتخاب کنند و انتخاب خودشان را اعلام نمایند؛ این میشود

۱. نشان‌دهنده

آن شکل صحیح اسلامی که هرکسی آگاهانه به نحوی با نظام اسلامی بیعت میکند. وقتی که انتخابات به شکل صحیحی انجام بگیرد، حقیقتاً بیعت مجددی است که آن شخص دارد انجام میدهد؛ و این چیز بسیار مهم و خوبی است.^۱

اهمیت نظارت بر انتخابات

کار نظارت بر انتخابات، کار بسیار بااهمیتی است؛ زیرا که سلامت انتخابات، سلامت مجلس را به دنبال دارد و سلامت مجلس، سلامت قوانین و مایه‌های کار را در کشور به دنبال دارد. یک دستگاه اجرایی هرچند هم که کارآمد باشد، اگر قوانینی که در اختیار آن قرار میگیرد، قوانین رسا و سالم و صحیحی نباشد، بالاخره در آن انحراف پیدا خواهد شد. صحت نظام ما به حفظ جهت اسلامی و رعایت قانون اساسی در آن است؛ و این با شورای نگهبان تأمین میشود. اگر سلامت نظام به این است که قوانین صحیحی باشد و اسلام در آن رعایت بشود، چنانچه خدای ناکرده مجلس نتواند قوانین آن چنانی را که منطبق با اسلام است، ارائه بکند و تصرفات مجلس، تصرفات خوب و درستی نباشد، بلاشک این در وضع دولت و اداره‌ی اجرایی کشور اثر خواهد گذاشت. بنابراین، سلامت نظام، به سلامت مجلس وابسته است. یک مجلس

۱. در دیدار با وزیر، معاونان، مشاوران و مدیران کل وزارت آموزش و

سالم و قوی و کارآمد و دارای اعضای مؤمن و منطبق با ضوابط، خواهد توانست پشتیبانی قانونی نظام را به شکل صحیحی انجام بدهد. بنابراین، شما که الان در آستانه‌ی رعایت این ضوابط در انتخابات هستید، کار بسیار مهمی را انجام می‌دهید؛ لذا است که بایستی ضوابط را بدقت رعایت کنید.^۱

ضرورت جلوگیری از ورود افراد ناصالح در میان کاندیداها
 آن نماینده‌ای که وارد مجلس میشود، بایستی یک انسان صالح باشد؛ حالا در چه حدی از معرفت و علم و توانایی باشد، آن چیزهایی است که قانون معین کرده و مردم طبق آنچه که صلاحشان هست، این شاء الله تشخیص خواهند داد و تصمیم‌گیری خواهند کرد؛ لیکن شما به عنوان یک ابزار اطمینان، نگذارید که خدای ناکرده در این طریق اختلالی به وجود بیاید. اگر کسی فاسد است؛ فساد مالی، یا فسادهای گوناگون اخلاقی، یا فساد عقیدتی و سیاسی؛ اگر کسی فتنه‌گری میکند، نظام را تضعیف میکند و کارایی دستگاهها را از آنها میگیرد، به تعبیر رسایی که بین مردم رایج است: چوب لای چرخ دستگاه میگذارد، واقعاً نمیتواند در آن تریبون به آن عظمت حضور پیدا کند؛ او نباید وارد مجلس بشود. آن کسانی که واقعاً رفتار و اعمال و گفتار آنها حاکی از

۱. در دیدار با اعضای هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات چهارمین

این است که برای خاطر هر انگیزه‌ای یا به انگیزه‌های سیاسی، یا به انگیزه‌های شخصی و خصصتی با نظام مقابله دارند، اینها نباید وارد مجلس بشوند؛ از این جهت بایستی خیلی رعایت کرد.

این مسئله‌ی فساد مالی و فساد اخلاقی و فتنه‌گری‌ای که عرض کردم، یک مسئله‌ی جدی است. انسان کسانی را میبیند که وقتی در تریبونی قرار میگیرند، از آن تریبون برای فتنه‌گری استفاده میکنند؛ برایشان خلاف واقع گفتن و دروغ گفتن، بلکه مردم را به ناحق تهییج کردن، حق را باطل و باطل را حق جلوه دادن، اهمّیتی ندارد! واقعاً اگر چنین کسانی باشند، باید جلوی آنها را گرفت و نباید گذاشت به مجلس راه پیدا کنند.^۱

لزوم دقت در رد صلاحیتها

جنابعالی^۲ به مسئله‌ی قاجاق اشاره کردید. قاجاق، یک عنوان عام و وسیع و یک طیف است. مثلاً یک وقت هست که یک نفر فرضاً به خارج از کشور رفته و حالا آمده و یک دستگاه ضبط صوت هم با خودش آورده که مثلاً قاجاق محسوب میشود؛ یا مثلاً موقع خروج از کشور، فلان جنس را همراه خودش خارج کرده است. هرچند ورود و خروج آن اجناس طبق مقررات نبوده و البته این یک قانون شکنی و

۱. همان

۲. آیت‌الله رضوانی

تخلّف از قوانین است، اما معلوم نیست که این خیلی اهمّیت داشته باشد که کسی را از صلاحیت بیندازد؛ بخصوص بعد از آنکه آثار توبه و انابه هم ظاهر بشود. اما یک وقت هست که یک نفر با یک باند قاچاق ارتباط دارد و اصلاً کارش تمهید مقدمات و تسهیل طرق برای انجام قاچاق است؛ اینها یکسان نیستند. باید واقعاً نگاه کرد، حدود را مشخص کرد و فهمید که صرف عنوان کافی نیست. یا مثلاً یک نفر در یک معامله تخلّف کوچکی داشته، اما یک نفر هم در امر معامله و تصرفات مالی اش اصلاً آدم فاسد و سوءاستفاده‌چی است؛ به ناحق به دست می‌آورد، به ناحق خرج میکند و به ناحق به این و آن میدهد؛ اینها فساد مالی است. بنابراین، کار اهمّیت دارد و باید ضوابط را در این کار به شدت رعایت کرد. من در قضیه‌ی انتخابات خبرگان هم خدمت آقایان عرض کردم^۱ که به نظر من مُرّ قانون خیلی مهم است. البتّه شما اهل قانون هستید و میدانید که قانون زبان دارد؛ زبان قانون را باید دانست و حدود قانون را باید کشف کرد. گاهی اوقات کلمات و الفاظ برای بیان آن مغزها و محتوای حقیقی قانون کافی نیستند؛ قانون‌شناسی مثل شماها میتواند درک کند که واقعاً قانون چه دارد میگوید.^۲

۱. اشاره به فرمایشات در دیدار با جمعی از ناظران و اعضای هیئت

نظارت شورای نگهبان ۱۳۶۹/۰۷/۴

۲. در دیدار با اعضای هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات چهارمین

دوره‌ی مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۰/۱۲/۰۴

اهمیت رعایت‌های اخلاقی در تأیید یا رد صلاحیتها

محور سوم، مسئله‌ی رعایت‌های اخلاقی است که در این کار لازم است. البته در سطوح شما آقایان، این حرفها به ساحت شما اصلاً نزدیک هم نمیشود؛ اما وقتی کار وسیع میشود، بایستی خیلی روی این مسئله دقت و رعایت کرد؛ دائم بایستی این را گفت، تا اینکه همه‌ی عوامل و افرادی که هستند، آن را رعایت کنند. جهات اخلاقی را باید رعایت کرد؛ از جمله یکی از آنها این است که مسائل شخصی افراد را نباید با آن مسائل عمده خیلی مخلوط کرد؛ مثلاً مسائل خطی و سیاسی را نباید با مواضع واقعی انقلابی و ضد انقلابی مخلوط کرد. ممکن است یک نفر باشد که از لحاظ سیاسی مذاقی داشته باشد؛ کسی است که طرفدار انقلاب و علاقه‌مند به انقلاب است و تلاش هم میکند؛ اما حالا در انقلاب زید را قبول دارد، عمرو را قبول ندارد؛ در حالی که ما عمرو را قبول داریم، زید را قبول نداریم؛ یا ما هر دوی زید و عمرو را قبول داریم، اما او یکی از آنها را قبول ندارد؛ اینکه جرم نیست. اگر اعضای هیئتهای نظارت دچار مسائلی شوند که امروز به آنها مسائل خطی گفته میشود، این واقعاً مسئله‌ی مهمی است؛ این شبیه گروه‌گرایی و قبیله‌گرایی و قوم‌وخویش‌گرایی است. یک نفر را برای خاطر اینکه جزو یک مجموعه است، قبول بکنیم؛ یک نفر دیگر را به خاطر اینکه جزو مجموعه‌ی دیگری است، رد بکنیم؛ نباید اجازه بدهیم که چنین چیزی در حوزه‌ی

کار ما وارد بشود. حب و بغضها هم همین طور است؛ گاهی یک نفر از کسی خوشش می‌آید، از دیگری بدش می‌آید؛ باید واقعاً مواظبت کرد که در هیچ سطحی از سطوح، این مسئله دخالت نکند. بعضیها هستند که سروصدایشان زیاد است؛ بدون اینکه در آن فتنه‌گری‌ای وجود داشته باشد. در مقابل، بعضیها هستند که بدون سروصدا فتنه‌گری میکنند! اینها را باید حقیقتاً از همدیگر تفکیک کرد. شناختن افراد و تشخیص مصادیق فتنه‌گری و مصادیق کار سیاسی و کار خطی و تفکیک اینها از همدیگر، به نظر خیلی مهم می‌آید.

آن چیزی که من قبلاً هم عرض کرده‌ام و الان هم تأکیداً و تأییداً عرض میکنم با اینکه شما هم قبلاً به من گفته‌اید که این جهت حل شده است این است که در هیچ جایی از جاها در سطح کشور، در رد و قبولها، این جهات خطی و سیاسی و اینکه فلانی نسبت به فلان کس چه موضعی دارد، مطلقاً نبایستی دخالت بکنند. بدون تحقیق نبایستی افراد را متهم کرد.^۱

مقصود از «ضد ولایت فقیه»، از علل رد صلاحیت

کاندیدها

به ظواهر خیلی ابتدایی نبایستی نسبت به وجود جرمی در کسی حکم کرد؛ مثلاً الان رایج شده که

۱. همان

بعضیها را به اندک چیزی «ضد ولایت فقیه» میگویند! معلوم نیست اگر کسی یک وقت در جایی یک کلمه حرفی زد، این ضدیت با ولایت فقیه باشد. البته ضدیت با ولایت فقیه، یعنی ضدیت با اصیل ترین و رکن ترین اصول و ارکان نظام جمهوری اسلامی؛ شکی نیست، منتها ضدیت معنایی دارد. مثلاً یک نفر هست که علیه این معانی مینویسد یا حرف میزند، یا با موقفها و مواضعی که از طرف دستگاه رهبری یا از طرف رهبری گرفته میشود و طبق قانون اساسی سیاستهای اصلی نظام را تشکیل میدهد، صریحاً و غالباً، ولو نه دائماً مخالفت میکند، یا در مواقع حساس مخالفت میکند؛ اینها ضدیت است؛ لیکن آن کسی که حالا یک وقت در جایی یک کلمه حرفی زده، یا مثلاً نسبت به چیزی عکس العملی نشان داده، این ضدیت محسوب نمیشود.

در زمان امام (رضوان الله علیه) ما میدیدیم که ایشان مطلبی را میفرمودند، اما در مجلس همه به آن رأی نمیدادند؛ نمیشود گفت اینها ضد ولایت فقیه اند. من یادم هست که یک وقت راجع به رادیو و تلویزیون یک نظراین بود که رؤسای سه قوه، شورای عالی رادیو و تلویزیون باشند؛ همان شورای سرپرستی ای که سابق بود. بنده خودم با ایشان صحبت کرده بودم و میدانستم که نظرشان این است که رئیس جمهور و رئیس مجلس و رئیس قوه قضاییه، اعضای شورای سرپرستی را تشکیل بدهند. قاعده اش هم همین بود

که وقتی میگویند سه قوه نظارت کنند که در قانون اساسی قبلی، تعبیر این گونه بود باید شورایی با این ترکیب تشکیل شود؛ آسان‌ترین وجهش این است. وقتی این پیشنهاد به مجلس آمد، آقای هاشمی آن را مطرح کردند؛ اما با اکثریت قاطعی رد شد! با اینکه ایشان هم گفتند که این نظر امام است، اما فقط عده‌ی معدودی به آن رأی دادند! واقعاً نمیشود به آن اکثریت گفت که شما ضد ولایت فقیه هستید؛ نه، همه‌شان هم فدایی امام و علاقه‌مند به امام و مخلص امام بودند؛ خلیه‌هایشان هم جبهه‌برو بودند؛ اما این حرف را قبول نداشتند؛ بنابراین باید واقعاً این چیزها از هم تفکیک بشود. در همان وقت ما کسانی را میشناختیم که به فلان مرکز میرفتند و صحبت میکردند و در اصل اعتبار نظر ولایت فقیه خدشه میکردند! این حرفها مربوط به امروز نیست که حالا کسی خیال کند بعضیها امروز این حرفها را میزنند؛ نه، همان زمان میزدند؛ ما در جریان بودیم و افرادش را میشناختیم؛ الان هم یقیناً آثار و نوارها و حرفهایشان هست. غرض، رمی به «ضدیت با ولایت فقیه» چیز آسانی نیست که ما تا اندک چیزی از کسی دیدیم، فوراً این مهر را به پیشانی او بزنیم؛ ضدیت با ولایت فقیه، شواهد و ضوابطی دارد.^۱

لزوم نَقت در گزینش ناظرین انتخابات

اینهایی که ما در سطح کشور به عنوان ناظر انتخاب میکنیم، چطور آدمهایی هستند؟ این خیلی مهم است. بایستی هیچ بهانه‌ای برای اینکه کسی ایراد و خدشه‌ای وارد کند، وجود نداشته باشد. باید افراد پاکِ طاهر، حتی ترجیحاً بدون گرایش واضح به یک جناح و جریان، به عنوان ناظر گزینش شوند. بعضیها آدمهای خوبی هم هستند؛ اما واضح است که حرکت آنها، حرکت خطی است که حرکت خطی، حرکت خوبی نیست. حرکت خطی، غیر از این است که انسان موضعی را به طور مدون قبول کرده باشد. حرکت خطی، یعنی گروه‌گرایی؛ یعنی کسی را که داخل یک مجموعه است، قبول میکند، به صرف اینکه در این مجموعه قرار دارد.

در سال ۶۲ که دوجریانی خیلی عمیقی در حزب جمهوری اسلامی به وجود آمده بود و کنگره‌ی مفصلی هم در مدرسه‌ی عالی شهید مطهری درست کرده بودیم، من صحبت کردم و از این دو جریان، به دو قبیله و دو طایفه تعبیر کردم! اصلاً بحث گروه و حزب نیست؛ چون دو حزب با مواضع فکری شان از هم جدا میشوند؛ اما این دو مجموعه، با خود افراد مجموعه از هم جدا میشوند، نه با مواضعشان؛ زیرا کسانی در این مجموعه هستند که خیلی هم مواضع این مجموعه را قبول ندارند، اما جزو اینها نیستند؛ کسانی هم در مجموعه‌ی آن طرفی هستند که باز همه‌ی آن مواضع

را قبول ندارند، اما جزو آنها هستند؛ کأنه بحث بر سر تعصبات فامیلی و قبیله‌ای است! به عبارت دیگر، وقتی کسی جزو آن عده باشد، این عده نگاه نمیکنند که خصوصیات اخلاقی او چیست و معیارها چقدر براو منطبق است؛ ردش میکنند؛ آن عده هم کاری ندارند که معیارها و ضوابط چیست؛ قبولش میکنند؛ این غلط است؛ بعضی این طوری عمل میکنند؛ ولو اینکه در تصرفات شخصیشان آدمهای بدی هم نیستند. هرچه بشود انسان این تقسیم بندیها را در این مجموعه‌ها نیاورد، خیلی بهتر است؛ کسانی بیایند که معروف به این معانی نباشند تا اطمینانی ایجاد بشود.^۱

اهمیت حفظ اعتماد عمومی توسط شورای نگهبان

شورای نگهبان همچنان که واقعاً وسیله‌ی اعتماد عمومی بوده است، باید مظهر این اعتماد هم باشد. هرچه افراد از جهات و جناحهای مختلف بیشتر در انتخابات شرکت کنند، این برای نظام بهتر است؛ برای شورای نگهبان هم بهتر است. ما باید کاری کنیم که این امکان و وسیله برای ورود اشخاص بیشتر فراهم بشود. نباید طوری باشد که یک جریان، ولو در یک شهر خاص، احساس بکند که در این انتخابات وارد نیست؛ باید طوری باشد که در همه جا همه احساس کنند که میتوانند آن فرد مورد نظر خودشان

را واقعاً آزادانه انتخاب بکنند؛ یعنی شورای نگهبان و حرکتی که در این مقطع انجام میدهد، باید مظهر و آینه‌ی اعتماد عمومی باشد. البته من شخصاً به آقایان در حدّ اعلاّی اعتماد، اعتماد دارم. من شماها را از لحاظ اخلاقی و علمی، عادل و زکی و نزیه میدانم و مطمئنم که مصلحت هم، آن طوری که هست، در ذهن آقایان واقعاً وجود دارد و ضوابط کاملاً رعایت خواهد شد؛ لیکن به هر حال اینها کلیاتی است که لازم است گفته بشود تا برای عمل و موارد شبهه، وضع روشنی وجود داشته باشد.^۱

اختلال در انتخابات؛ یک گناه و جرم

مسئولان امور انتخابات، اعمّ از مسئولان اجرایی که وزارت کشور است و شورای نگهبان که کار نظارت را به عهده دارد، وظایف سنگینی دارند. اندک اختلالی در این کار عظیم، حقیقتاً یک گناه و یک جرم است. مبدا بگذارید در این امر مهم، کوچکترین اختلالی به وجود آید.^۲

وظیفه‌ی ناظران در عمل به موازین و نه مذاقها و سلیقه شخصی

در امر نظارت باید قانون و موازین، ملاک و معیار

۱. همان

۲. در دیدار اعضای هیئت نظارت بر انتخابات شورای نگهبان

۱۳۷۴/۱۱/۱۴

باشد و نه مذاقها و سلايق شخصی. مطلقاً دنبال مذاق شخصی نروید و این طور نباشد که یک وقت انسان خودش تشخیص دهد که اگر این فرد در مجلس نباشد، برای مجلس خسارتی است؛ اگر این شخص باشد، برای مجلس فایده‌ای دارد؛ آن‌گاه برخلاف موازین و مقررات، این مذاق اعمال شود. باید کاری کنید که بتوانید پیش خدای متعال و بندگان او جواب‌گو باشید. اگر از شما سؤال شد که به چه مناسبت این شخص را رد کردید، شما بگویید: پروردگارا! من ملزم بودم طبق مقررات عمل کنم. مقررات چنین گفت، من هم این شخص را رد کردم؛ یا مقررات چنین گفت، من این شخص را تأیید کردم؛ اما اینکه من این‌گونه تشخیص دادم، من این‌گونه فهمیدم، من این آدم را مضر دانستم، من این آدم را مفید دانستم؛ اینها قابل قبول نیست. اینها رانه خدای متعال قبول خواهد کرد، نه بندگان خدا. باید طبق موازین و مقررات عمل کنید. هیچ‌گونه ملاحظه‌ای نباید مانع از اعمال مقررات شود.^۱

ضرورت قاطعیّت در عمل به قانون انتخابات

اگر شورای نگهبان در این قضیه به یک نتیجه‌ی منطبق بر قانون و مقررات رسید، باید با قاطعیّت اقدام کند. هیچ چیزی نباید مانع از اقدام قاطع قانونی شود. در همه‌ی امور، بخصوص در چنین اموری که با

افکار و عواطف و احساسات و عقاید و آرای گوناگونی
مواجه است، قاطعیّت چیز لازمی است.^۱

نقش اساسی شورای نگهبان در جلوگیری از انحراف نظام از دین

شورای نگهبان نقطه‌ی تضمین و تأمین برای
نظام اسلامی است. این امر بسیار مهمی است. من
در دوره‌ی قبل نسبت به اهمیّت کار شورای محترم
نگهبان تذکر دادم؛ حالا هم لازم است مجدداً این را
عرض کنم. شورای نگهبان در مجموعه‌ی تشکیلات
نظام جمهوری اسلامی، مثل بقیه‌ی دستگاهها نیست
که بگوییم ارگانها و تشکیلات مختلفی هستند؛
بعضی مهم‌ترند، بعضی کم‌اهمیّت‌ترند؛ این هم یکی
از آنها؛ نه. شورای نگهبان مثل بعضی از پدیده‌های
یک نظام - مانند قانون اساسی - وضع ویژه‌ای دارد.
شورای نگهبان تشکیلاتی است که اگر خوب باشد و
درست کار کند، این نظام دیگر خطر انحراف از دین
نخواهد داشت. این چیز کمی نیست. این چیز قابل
مقایسه‌ای با چیزهای دیگر نیست. ببینید از مشروطه
تا پیروزی انقلاب اسلامی بر اثر انحراف از موازین دینی
چقدر ضرر کردیم! دهها سال این کشور خسارت دید؛
به خاطر اینکه از اصول دینی انحراف حاصل شد. با
اینکه اساس مشروطیّت بر پایه‌ی دین بنا شده بود؛
اگر عیانت نشد و آن قضیه‌ی طراز اوّل مورد توجه قرار

نگرفت. بعد هم با دین مخالفت شد و پدیده‌های دینی آن نظام از بین رفت؛ اما غیر دینی‌هایش تقویت گردید و آن چیزی شد که شما دیدید یک کشور و یک ملت چه خسارتی را در طول این چند ده سال دوران مشروطه تا پیروزی انقلاب اسلامی متحمل شد. یکی از بزرگترین خسارتهایش حکومت خاندان پهلوی بود؛ تسلط آن دیکتاتوری عجیب و حقیقتاً کم نظیر در تاریخ. شما این را بدانید که وقتی یک نظام، تضمین بقا بر روال دینی نداشته باشد، این چیزها در انتظارش است.

شورای نگهبان مانع این است که نظام اسلامی از خط دین و اسلام و همچنین از خط قانون اساسی - که این در درجه‌ی دوم اهمیت است؛ اما این هم خیلی اهمیت دارد - منحرف شود. قانون اساسی ستون فقرات نظام است؛ در حقیقت مرکز اصلی سلسله اعصاب نظام است؛ معیار و ضابطه است و شورای نگهبان نمی‌گذارد که دستگاه‌های کشور از قانون اساسی منحرف شوند؛ نمی‌گذارد که قوانین مخالف قانون اساسی، تصویب و اجرا شود. چنین دستگاهی که این همه اهمیت دارد، باید ابتهت و اقتدار و تکریم و حرمتش حفظ شود.^۱

وظیفه‌ی همگانی حفظ حرمت شورای نگهبان

هم خود آقایان محترمی که در این شورا و یا منتسب

به این شورا هستند- مثل شما آقایان- بایستی این اَبَهِت و احترام و حرمت را حفظ کنند، هم دیگران که در بیرون شورا هستند. مبادا خدای نکرده کسی از هیئتهای نظار در گوشه‌ای از کشور کاری کند که دهان بدخواهی را باز کند و احترام شورای نگهبان هتک شود؛ یا در بیان مطالب طوری حرف زده شود که احیاناً کسانی به عنوان اعتراض- نه از سرخیرخواهی- حرمت شورای نگهبان را هتک کنند. کسانی هم که در بیرون این مجموعه هستند، همین طور باید رعایت کنند. آنهایی که قلمی به دستشان هست، تریبونی در اختیارشان هست، بفهمند که اعتراض کردن، بی احترامی کردن و هتک حرمت شورای نگهبان، خطای کوچکی نیست. قابل قبول و قابل تحمل نیست.

البته وظیفه‌ی شورای نگهبان خیلی سنگین است. این وظیفه را باید در حدّ مقدور با کمال دقّت و با رعایت حدّ اکثر عدل و انصاف انجام دهد و بر کار نظار نظارت کند. آنچه که آقایان نظار انجام میدهند، به نام شورای نگهبان تمام میشود و از لحاظ مسؤلیت الهی هم علی الظّاهر با مسؤلیت بزرگواران این مجموعه انجام خواهد شد. این باید موجب شود که دقّت و توجّه را مضاعف کنید.^۱

**وظیفه‌ی شورای نگهبان؛ حفظ احترام و آبروی اشخاص در
بررسی صلاحیتها**

حفظ احترام و آبروی اشخاص است. اگر کسانی در پرونده‌هایشان مشکلی دیده شد که بنا شد به مجلس نروند، مشکل آنها بازگو و پخش نگردد و هتک حرمت آنها نشود. البته ممکن است بعضی کسان بگویند فلان کس را که رد کرده‌اید، باید علت آن را صریحاً بگویید. اگر مطلبی گفتنی است، اشکالی ندارد آن را بگویید؛ اما اگر مطلبی ناگفتنی است، نباید آبروی اشخاص با این حرفها برود و بیان شود. چون به ما این طور گفته‌اند و فشار آورده‌اند، پس ما آبروی این آدمها را ببریم؛ نه. در اسلام حرمت مؤمن خیلی اهمّیت دارد و نباید هتک حرمت شود.^۱

**اهمّیت جلوگیری از ورود افراد بی‌اعتقاد به انقلاب به
مجلس**

اگر در معیارهایی که نسبت به نمایندگی مجلس وجود دارد، واقعاً دقت شود، همین هم از آب در می‌آید. باید مراقب بود که آدمهای اهل سوءاستفاده و بی‌اعتقاد به رسالت انقلابی و مسئولیت نمایندگی، و کسانی که میخواهند وارد مجلس شوند فقط برای اینکه سوءاستفاده‌ای بکنند یا خدای نکرده خراب‌کاری‌ای انجام دهند، وارد مجلس نشوند. باید

۱. همان

دقت کنید مجموع شرایطی که گذاشته شده است، همین نتیجه را بدهد.^۱

ضرورت رعایت اصول مهم در بررسی صلاحیتها

البته بعضی وقتها ممکن است در کسی نقطه ضعفی هم باشد؛ اما لزومی ندارد که انسان هر چیز کوچکی را در اشخاص ببیند و آن را بزرگ کند. مثلاً فلان کس در فلان جای یک وقت حرفی را بر زبان جاری کرده است؛ یا مثلاً قبلاً این طور بود- بحمدالله حالا کمتر دیده میشود- که تا کسی مختصر حرکتی انجام میداد که برخلاف مذاق بعضی بود، فوراً او را به «ضدیت با ولایت فقیه» متهم میکردند! نه؛ این طور نیست که حالا هرکس یک کلمه حرفی زد، ضد ولایت فقیه محسوب شود. امروز مردم این کشور قانون اساسی و اساس ولایت فقیه را به عنوان یک اصل مهم، بلکه مهمترین اصل پذیرفته‌اند و زندگی میکنند. غرض؛ نمیشود افراد را به اندک چیزی متهم کرد. توجه به چیزهای کم‌اهمیت، تنگ‌نظری و دقتهای بیخودی را باید کنار گذاشت. اساس قضیه همان چیزهایی است که واقعاً همه را میترساند: آدم پول پرستی، آدم پیش‌کرده‌ی خوانین و اشرار منطقه‌ای، از فقد یا ضعف نظارت استفاده کند و وارد مجلس شود و بعد بخواهد برای آن‌گونه افراد کار و تلاش کند؛ یا مثلاً- آن طور که جناب آقای جنتی در نماز جمعه‌ی

دیروز اظهار می‌کردند- در هنگام انتخابات به او پول بدهند تا وارد مجلس شود. اگر واقعاً این طور کسانی را شناختید، بی دریغ ردشان کنید. اگر دیدید کسانی هستند که برای این طور کارها به مردم پول می‌دهند یا دهن مردم را شیرین میکنند، بدانید که این آدمها، آدمهای نامناسبی هستند. وقتی معلوم میشود کسانی هستند که به خاطر امور مادی و در راه کسب متاع دنیوی میخواهند مسند باارزشی را که قانون برای مردم وضع میکند، غصب کنند، بایستی جلوشان گرفته شود. معیارها هم ناظر به این است.

بنابراین عمده‌ی آنچه که در یک نماینده لازم است، اعتقاد به این نظام و اعتقاد به اسلام و انقلاب و سعی برای انجام یک مسئولیت و تعهد است. البته اعتقاد به اسلام که می‌گوییم، منظور این نیست که غیر مسلمانها نمیتوانند بیایند؛ خیر. اقلیتهای مذهبی هم طبق همان موازینی که وجود دارد، میتوانند بیایند. ملاک عمده برای کسانی که میخواهند به مجلس بیایند این است که اگر این در کسی وجود داشت، بقیه‌ی چیزها را میشود واقعاً با اغماض نگاه کرد. مگر امری باشد که خلاف قانون است.^۱

لزوم حفظ پاکیزگی و طهارت مطلوب اسلام در رقابتهای
انتخاباتی

سعی کنید این حرکت زیبا و این حرکت عظیم

مردمی را که حقیقتاً یک آزمایش بزرگ مردمی و ملی و اسلامی است با همان نزاهت و طهارت و پاکیزگی ای که مطلوب اسلام است، پیش ببرید. البته متن و عموم مردم عزیز کشور ما همین طورند. سعی کنید کدورت ایجاد نشود. مسابقه‌ی انتخاباتی، ضمن اینکه یکی از جدی‌ترین کارهای یک ملت است و به هیچ‌وجه جنبه‌ی شوخی و بازی در آن نیست و بسیار جدی است، اما شبیه مسابقات ورزشی است. در مسابقات ورزشی همه تلاش میکنند؛ اما کسانی که اهل اخلاق و اهل فهمند، این تلاش را با کارهای زشت و نامناسب همراه نمیکنند.

البته من مردم خودمان را عرض میکنم؛ و الا بعضی از ملت‌های دیگر مثل انگلیسیها هستند که مسابقات فوتبال را هم به گشت و کشتار تبدیل میکنند! ما به آنها کاری نداریم. ملت ما اهل اخلاق و معنویت و عاطفه است. نگذارید که فضای انتخاباتی، فضای کدورت شود. هرکدام از نامزدها و طرفدارانشان، برای خودشان تبلیغ کنند؛ اما دوستان و هم‌میهنان و برادرانشان را که احیاناً از نامزد دیگری حمایت میکنند، زخم خورده و رنج دیده و از خودشان مک‌در نکنند. به این نکته توجه کنید. این، خیلی مهم است.

البته در گوشه و کنار حرف‌هایی شنیده میشود که قدری مایه‌ی خلاف توقع است. این را هم همه توجه کنند که بعضی از کارها مربوط به خودیها نیست؛ مربوط به دشمن است. راه انداختن کاروان شادی

در عصر عاشورا، مربوط به مردم انقلابی و مسلمان نیست. این کار دشمن است. گیرم که عکس یک نامزد انتخاباتی را هم به دست بگیرند؛ این حيله‌ی آنهاست. نباید هیچ‌کس از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری را متهم کرد که شما از آنها خبر داشتید و آنها طرفدار شما نیستند. نخیر؛ آنها چه طرفداری از کسانی دارند که اهل دین و معنویت و این چیزها هستند. ربطی ندارد. شاید خود آن فریب‌خورده‌هایی هم که در خیابانها سوار بر اتوبوس شدند و آن مناظر زشت را راه انداختند، ندانند که قضیه چیست. دستی آنها را حرکت میدهد، برای اینکه فضا را خراب کند؛ برای اینکه مردم را ناراحت کند؛ برای اینکه انتخابات را در نظر متدینان یک کار نامناسب جلوه دهد و چهره‌ها را خراب کند. البته مسئولان باید بگردند و آن دست پنهان را پیدا کنند. من مؤکداً به مسئولان توصیه میکنم و از آنها میخواهم که بگردند و آن دستهای پنهانی که این زشتکاریها را انجام میدهند، پیدا کنند. از آنها نباید گذشت. صحبت سراینها نیست؛ صحبت سرغفلتهایی است که ممکن است خدای نکرده گاهی از خودیها سر بزنند. بعضیها را متهم کنند و بعضیها را مورد اهانت قرار دهند. این کار درست نیست. البته تبلیغات منطقی و معقول و با استدلال، اشکالی ندارد؛ لیکن نباید فضا را خراب و مکدر کرد.^۱

۱. در دیدار خانواده‌های اسرا و مفقودان جنگ تحمیلی ۱۳۷۶/۰۲/۳۱

ضرورت نگاه وسیع شورای نگهبان در احراز صلاحیت

کандیداها

من دوسه جمله راجع به این مسئله‌ی صلاحیتها عرض بکنم. شورای محترم نگهبان صلاحیتهای افرادی را احراز میکند، بعضی را هم احراز نمیکند. من اینجا سه تا نکته عرض بکنم: نکته‌ی اول این است که شورای نگهبان از لحاظ قانونی موظف است صلاحیتها را احراز کند؛ باید تشخیص بدهد، باید برسد به اینکه این صلاحیت وجود دارد. البته توصیه‌ی همیشگی ما این بوده است که سطح صلاحیتها را آن قدر بالا نبرند که یک عده‌ی معدودی ته آن بمانند. آنچه که موجب صلاحیت است، یک قدری سطح آن را باسماحت تر نگاه کنند.^۱

لزوم حفظ شأن دآوری توسط دستگاههای مسئول در

انتخابات

اگر قانون به طور دقیق و غیرجانبدارانه از یک جناح و یک گروه و یک حزب رعایت شود، همین چیزی که ما می‌خواهیم، تحقق پیدا خواهد کرد. دستگاههای دولتی مراقب باشند که نقش داور را ایفا نکنند. در یک بازی ورزشی داور نقش مشخصی دارد. اگر هر یک از دو تیمی که باهم مسابقه میدهند، پیروز شوند، در حقیقت دآوری که خوب دآوری کرده، پیروز شده است؛ اما اگر داور رفت سراغ یکی از دو تیم

۱. همان

- رفت سراغ این جناح یا آن خط - چه آن تیم پیروز شود، چه شکست بخورد، داور شکست خورده است. دستگاه‌های دولتی نقش داوری خود را حفظ کنند و مراقب باشند گرایش به این حزب و آن حزب و این جناح و آن خط پیدا نکنند. قانون را مخلصاً، خالصاً رعایت کنند؛ همه چیز درست خواهد بود؛ مردم هم قدرت انتخاب پیدا میکنند. البته کسانی که به عنوان نامزد انتخابات به مردم معرفی میشوند، معنایش این است که اینها صلاحیت دارند و این معرفی، امضای صلاحیت اینهاست. دستگاهها بایستی مراقب باشند که این امضا بیهوده، خلاف و دروغ نباشد. این دروغ گفتن به مردم است؛ هم رد کردن آدم صالح، هم پذیرفتن آدم ناصالح؛ هر دو بد و هر دو خلاف است. دستگاهها مراقب باشند که این خلافها انجام نگیرد، تا این شاء الله روز انتخابات برسد و مردم نگاه کنند و با فکر آزاد و رأی درست، کسی را که به نظر خودشان صالح تر است، با شناخت و معرفت انتخاب کنند و به مجلس بفرستند. یک مجلس معتبر و آبرومند میتواند برای کشور خیلی مفید باشد.^۱

لزوم رعایت قانون در رد صلاحیتها

مردم دوست دارند در انتخابات شرکت کنند و این شاء الله شرکت هم میکنند و به انتخابات علاقه مندند و این روال احراز و تشخیص صلاحیت

۱. در دیدار اقشار مختلف مردم قم ۱۸/۱۰/۱۳۸۲

هم یک روال همه‌جایی دنیایی است و مخصوص ایران و مخصوص مجلس شورای اسلامی هم نیست. در همه جا وقتی انسان برای مسئولیتی مأموریت دارد که مسئول معین کند، قهراً تفحص و جست‌وجو میکند که آیا این شخص صلاحیت دارد یا ندارد؛ این هیچ ارتباط ندارد به اینکه مجلس شورای اسلامی باشد یا غیرمجلس شورای اسلامی. بنابراین کار، کار معمولی‌ای است؛ کاری است که در همه جای دنیا و پیش‌همه‌ی عقلای عالم انجام میگیرد. فرض کنید یک نفر را برای مسئولیتی به مجلس معرفی میکنند. مجلس بی‌خود که به این شخص رأی نمیدهد، بلکه تفحص، تحقیق، مطالعه و جست‌وجو میکند تا ببیند که این شخص نقطه‌ضعفی نداشته باشد. اگر نپسندید، رد میکند. این رد کردن را نمیشود به مجلس ایراد گرفت؛ زیرا مجلس صلاحیت آن شخص را احراز نکرده و او را رد کرده است. عین همین قضیه درباره‌ی نمایندگان مجلس هم طبعاً صادق است. بنابراین روال، روال عادی است و مردم هم این روال را قبول دارند و قانون اساسی هم این روال را احراز کرده است. آنچه که وظیفه‌ی من و شماست، این است که سعی کنیم آنچه را که وظیفه‌ی قانونی است، با دقت و با اتقان و با رعایت حال آن کسانی که با آنها سروکار داریم، انجام دهیم؛ یعنی ظلم به کسی نشود و حق کسی پامال نگردد. افرادی که صدای کلفتی دارند و همه صدای آنها را میشنوند، به نظر من به قدر آن

استاد دانشگاه که فرضاً نامه‌ی خصوصی به جناب آقای جنتی مینویسد که مراد صلاحیت کرده‌اند، در حالی که خصوصیات و سوابق من این است، اهمیت ندارند. من دلم برای آن شخص میسوزد و برای کسی که در گوشه و کنار باشد و خدای نکرده به حق او بی‌توجهی شده و رد صلاحیت شده، در حالی که به‌طور عقلایی و عرفی و با همان قرائن عادی میشود صلاحیتش را احراز کرد. آنچه بنده را نگران میکند این است که نکند چنین اتفاق بیفتد. حالا که الحمدلله فرصت هست، واقعاً پرونده‌ی یک یک افرادی را که هستند، نگاه کنید. البته ممکن است بعضی سابقه‌ای داشته باشند که انسان براساس قرائنی که دارد، تأیید میکنند آن سوابق - که الان مطلوب نیست - از آن اشخاص منقطع شده است. بنابراین انسان باید برطبق وضعیت حال حکم کند.^۱

صحیح بودن استفاده از استصحاب^۲ برای اثبات صلاحیتها

در مورد نمایندگان مجلس هم من به جناب آقای جنتی پیغام دادم - پای این مطلب هم ایستاده‌ام و به نظر من هیچ شبهه هم ندارد - که اینجا جای

۱. در دیدار اعضای شورای نگهبان ۱۳۸۲/۱۰/۲۴

۲. استصحاب در اینجا به این معناست که اگر صلاحیت فردی در گذشته اثبات شده باشد تا وقتی که خلاف آن ثابت نشده است، حکم به صلاحیت آن فرد میشود.

استصحاب است، مادامی که خلافش ثابت شود؛ یعنی شما نگوئید ما آن وقت یقین نداشتیم؛ نه، حمل بر صحت کنید. جایی هم که هم عمل خودتان را - آنهایی که بودید - هم عمل دیگران را - آنها که نبودند - شک دارید، حمل بر صحت کنید. اینهایی که آمدند، با احراز آمده‌اند؛ مگر خلافش ثابت شود. اگر خلافش ثابت شد، به حرف هیچ کس گوش نکنید و همان مطلبی را که ثابت شده عمل کنید؛ اما اگر خلافش ثابت نشد، این احراز، استصحاب است و هیچ لزومی ندارد که انسان بخواهد از طریق دیگری این صلاحیت را احراز کند. به نظر من در مورد نمایندگان مجلس، میشود این کار را انجام داد. البته حساب آن کسی که بعد از احراز صلاحیت، عدم صلاحیتش ثابت شده، جداست و آن، محل کلام نیست؛ اما مادامی که احراز عدم صلاحیت نشده، جای استصحاب صلاحیت است؛ آن وقت صالح بود، حالا هم صلاحیتش را استصحاب کنید. آن جایی هم که شک هست، استصحاب کنید. این، مخصوص نمایندگانی است که احراز صلاحیتشان در دوره‌ی قبل شده است. البته کسانی در دوره‌های اسبق بوده‌اند که طبعاً چنانچه در دوره‌ی قبل صلاحیتشان رد شده باشد، دیگر اینجا جای استصحاب نخواهد بود؛ اما اگر کسانی هستند که دوره‌های قبل در مجلس بوده‌اند و بعد هم اصلاً نامزد نشده‌اند، همین حرف برایشان جاری خواهد بود.

راه، راه همواری است؛ راه دشواری نیست. بعضی سعی میکنند کارهای آسان را مشکل کنند و کارهایی که راه قانونی دارد، از راه قانونی مشی نکنند؛ نه، این کار راه قانونی دارد و شما تازه مسئولیت قانونی و رسمی تان شروع شده و میتوانید رسیدگی کنید. در این زمینه هیچ اشکالی به نظر نمیرسد.^۱

قانونی بودن نظارت استصوابی

سؤال مکتوب یک دانشجو: «آیا محروم شدن شهروندان از حق طبیعی انتخاب شدن به وسیله‌ی نظارت استصوابی، باعث بی‌اعتماد شدن مردم به پایه‌های نظام نمیشود؟»

جواب من این است که نه، نمیشود؛ چون نظارت استصوابی یک قانون است و نبایستی کسی از عمل به قانون گله‌ای داشته باشد. این نظارت شورای نگهبان، طبق قانون و متکی به قانون اساسی است. پایه‌ها و ریشه‌هایش در قانون اساسی است و در قانون عادی هم همان تأیید شده است و وجود دارد. این نظارت هم برای شهروندان عادی و معمولی نیست؛ این برای آن است که یک آدم ناباب، یک آدم مضروب و یک آدم بد، به این مرکز حساس وارد نشود. این نظارت استصوابی مخصوص مجلس که نیست؛ در مورد ریاست جمهوری هم هست. حالا شما ببینید یک آدم حراف پشت هم‌اندازی که از خارج هم حمایت

شود و پول فراوانی هم داشته باشد و خودش را به شکل‌های گوناگونی بیاراید و اینجا بیاید و کاندیدا شود و اکثریتی را هم ببرد و رئیس جمهور شود، تکلیف مملکت چه میشود؟! نظارت استصوابی برای همین است که جلو آدم‌هایی که برطبق قوانین کشور، صلاحیت آمدن به این منصب حساس را ندارند چه مجلس، چه ریاست جمهوری و چه در بقیه‌ی جاهایی که این نظارت وجود دارد؛ مثل مجلس خبرگان و دیگر جاها گرفته شود و اینها نتوانند وارد این مراکز حساس شوند. نظارت استصوابی چیز خوبی است؛ چیز بدی نیست. آنهایی که انتقاد میکنند و ایراد میگیرند، ادعایشان این است که شورای نگهبان ردّ و قبولش براساس گرایشهای سیاسی است. البته این واقعیت ندارد. خود آقایان شورای نگهبان همیشه انکار کرده‌اند؛ بنده هم تا آنجا که از نزدیک شاهد کار آنها بوده‌ام، چنین احساسی نکرده‌ام. حالا ممکن است کسی یک وقت یک جایی را درست نفهمد و غلط بفهمد که آن بحث دیگری است؛ اما مبنا، مبنای قانونی است.^۱

وجود نظارت استصوابی در همه‌ی کشورها

آمریکاییها- مثل یاوه‌گویی‌های همیشگی شان- باز شروع کرده‌اند که فلانی باید بیاید، فلانی باید نیاید؛

۱. پاسخهای رهبر معظم انقلاب اسلامی به پرسشهای دانشجویان در دانشگاه صنعتی شریف ۱۳۷۸/۰۹/۰۱

به شما چه نادانها؟! نمیدانند که هرچه بگویند، مردم عکس‌اش عمل می‌کنند. میگویند: چرا نظارت هست؟ چرا فلان دسته نتوانسته‌اند بیایند؟ چرا فلان کس نتوانست بیاید؟ در کشورهای خودشان انواع و اقسام نظارت‌های استصوابی غلیظ به شکلهای پیچیده وجود دارد. در کشورهای غربی همه جا موانع حذفی فراوان وجود دارد. الآن در امریکا یک نفر را نشان بدهند که در طول دویست سال گذشته بیرون از دو حزب معروف امریکا سرکار آمده و رئیس جمهور شده. این معنایش چیست؟

در همه‌ی کشورهای اروپایی - تا آنجایی که ما خبر داریم - اصلاً اپوزیسیون قانونی وجود ندارد که با نظام و قانون اساسی و حرکت کلی و سیاست‌های کلی نظام مخالف باشد و در عین حال حق فعالیت هم داشته باشد. من در جمع دانشجویان کرمانی^۱ گفتم اختلاف سراین است که فلان مالیات را بگیریم یا نگیریم؛ این میگوید بگیریم، آن میگوید نگیریم؛ جنگ عراق برویم یا نرویم. اینهایی که در میدان هستند، در مبانی و اصول، همه‌شان یکی‌اند؛ در حالی که یقیناً عده‌یی هم مخالفند. به مخالف اصلاً میدان نمیدهند بیاید؛ منتها تبلیغات دست همان کسانی است که این میدانها متعلق به آنهاست. روزنامه‌ها و تلویزیون‌ها و رادیوها در اختیار آنهاست و هرچه دلشان می‌خواهد،

۱. اشاره به بیانات معظم‌له در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های

در این رسانه‌ها می‌گویند و مینویسند. خودشان این همه موانع حذفی و این همه نابرابری در زمینه‌های گوناگون سیاسی دارند، اما می‌گویند چرا شما اصلاً شورای نگهبان دارید؟!

یقیناً ورودیهای میدان سیاست باید کنترل شود. میدان اداره‌ی کشور و مدیریت کشور است؛ مگر شوخی است؟ یک کشور را می‌خواهند دست یک نفر بسپرنند؛ لذا باید ورودیهای این میدان کنترل شود و معلوم گردد کسی که دارد می‌آید، کیست؛ اصلاً عرضه‌ی این کار را دارد یا ندارد؛ بعد، اعتقاد به این کار دارد یا ندارد؛ بعد، اصلاً می‌فهمد در کشور چه کار باید کرد یا نه. ملاک‌هایی وجود دارد؛ باید کسانی باشند که این ملاکها را ببینند و بسنجند؛ قانون اساسی این را پیش‌بینی کرده.^۱

۱. بیانات در دیدار دانشجویان بسیجی ۱۳۸۴/۰۳/۰۵